

معرفی کتاب:

دختر شینا



طراح: فریاحاتی

معاونت پژوهش حوزه علمیه ام المومنین (ع) شهرستان اقلید

آبان ماه ۹۸

مشخصات کتاب:

عنوان: دختر شینا

نویسنده: بهناز ضرابی زاده

ناشر: انتشارات سوره مهر

سال نشر: ۱۳۹۳

تعداد جلد: ۱

صفحات: ۲۶۳

خلاصه کتاب:

«دختر شینا» داستان زندگی عاشقانه «قدم خیر محمدکنعان» با شهید حاج ستار ابراهیمی است که می‌تواند سر هزاران عشق مثلثی، مربعی سریال‌های صدا و سیما و فیلم فارسی‌های سینمای امروز را برملا کند.

دختر شینا عاشقانه‌ای است که زندگی شده و نشان می‌دهد که سبک زندگی ایرانی شیوه پاک و عاشقانه زیستن و فداکاری و ایثار را در بالاترین جایگاه و کیفیت داراست و این سبک زندگی ما را در جنگ تحمیلی پیروز کرد و امروز ما را در جنگ نرم فاتح خواهد کرد.

دختر شینا در ۱۹ فصل روایت شده است که از دوران کودکی قدم خیر آغاز می‌شود از زمانی که نامش را به خاطر قدم خوشی که داشت، «قدم خیر» گذاشتند تا زمانی که حماسه زندگی‌اش را در پشت جبهه‌ها رقم زد و نامش به عنوان همسر شهید حاج ستار ابراهیمی هژیر در تاریخ این کشور ماندگار شد.

برشی از کتاب:

داشتم از پله‌های بلند و بسیاری که از ایوان آغاز می‌شد و به حیاط ختم می‌شد، پایین می‌آمدم که یک‌دفعه پسر جوانی روبه‌رویم ظاهر شد. جا خوردم. زبانه بند آمد. برای چند لحظه کوتاه نگاهمان به هم گره خورد. پسر سرش را پایین انداخت و سلام داد. صدای قلبم را می‌شنیدم که داشت از سینه‌ام خارج می‌زد. آن‌قدر هول شده بودم که نتوانستم جواب سلامش را بدهم. بدون سلام و خداحافظی دویدم توی حیاط و از آن‌جا هم یک‌نفس تا حیاط خانه خودمان دویدم. زن برادرم، خدیجه، داشت از چاه آب می‌کشید. من را که دید، دلو آب از دستش رها شد و به ته چاه افتاد. ترسیده بودم، گفتم: «قدم! چی شده. چرا رنگت پریده؟! کمی ایستادم تا نفسم آرام شد. با او بسیار راحت و خودمانی بودم. او از همه زن برادرهایم به من نزدیک‌تر بود، ماجرا را برایش تعریف کردم. خندید و گفت: «فکر کردم عقرب تو را زده. پسر ندیده!».